

واکنش به تعارض زناشویی: مطالعه‌ای بین نسلی

مینا پهلوان⁽¹⁾، دکتر فرشته موتایی⁽²⁾، دکتر محمدعلی مظاهری⁽³⁾

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف مقایسه واکنش افراد متأهل، به تعارض زناشویی در طول سه نسل اخیر زنان و دو نسل اخیر مردان انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر، از نوع مطالعه کیفی بود و جامعه آماری آن، کلیه افراد متأهل متعلق به سه نسل از ساکنین تهران در سال 1392 بودند. نمونه‌گیری، در دو مرحله و به صورت در دسترس و هدفمند انجام شد. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه عمقی با 9 نفر در هر گروه نسلی (نسل اول، دوم و سوم زنان و نیز نسل دوم و سوم مردان) که جمعاً شامل 45 نفر بودند، به دست آمد. این مصاحبه‌ها در گروه زنان، با مراجعه به محل زندگی و در گروه مردان، به صورت تلفنی انجام گرفت. سپس داده‌ها با روش تحلیل محتوا کدگذاری شدند. **یافته‌ها:** در این پژوهش، اطلاعات از طریق مصاحبه با 9 دختر، 9 مادر و 9 مادر بزرگ جمع‌آوری شد که میانگین سنی این سه گروه به ترتیب 27، 49 و 71، انحراف معیار سنی آن‌ها به ترتیب 2/5، 4/7 و 6/1 و دامنه تغییرات سنی آن‌ها به ترتیب 6، 14 و 20 بود. هم‌چنین فرآیند مصاحبه با 9 پسر و 9 پدر نیز صورت گرفت که میانگین سنی این دو گروه نسلی 28 و 45، انحراف معیار آن‌ها 1/2 و 6/3 و دامنه تغییرات سنی آن‌ها 4 و 19 بود. پس از تحلیل داده‌ها، میزان اجتناب از تعارض در نسل دوم، بیش‌تر از نسل سوم مشاهده شد. هم‌چنین مردان اجتناب کم‌تری را در مقایسه با زنان در طرح موضوعات تعارض برانگیز گزارش کردند. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد که عواملی مانند تفاوت سنی، چرخه زندگی و تفاوت در استانداردهای افراد، بر نوع رفتار آن‌ها در حین تعارض زناشویی اثرگذار است.

کلیدواژه: تعارض زناشویی؛ واکنش به تعارض؛ نسل

[دریافت مقاله: 1393/9/25؛ پذیرش مقاله: 1394/3/4]

202
202

مقدمه

افزایش دیدگاه منفی فرزندان نسبت به ازدواج و افزایش احتمال خشونت والدین نسبت به دختران در ارتباط است (7-5). یافته‌های پژوهشی که در ایران انجام شد نشان داد که تعارض زناشویی می‌تواند موجب دلبستگی ناایمن کودک به والدین گردد (8). اگرچه آمار دقیقی از شیوع تعارض زناشویی در ایران در دست نیست، اما نظر به این که بسیاری از تعارض‌ها در نهایت به طلاق منجر می‌شوند و هم‌چنین با توجه به افزایش روز افزون آمار طلاق در کشور (افزایش 8/5 درصدی در سال 93 نسبت به مدت مشابه در سال قبل)، می‌توان اختلاف و تعارض میان زوجین را امری در حال گسترش دانست (9، 10).

علی‌رغم آثار جسمی و روانی تعارض، نکته حایز اهمیت

تعارض در زندگی زناشویی زمانی اتفاق می‌افتد که عدم توافق، ناسازگاری و یا تفاوتی بین زوجین وجود داشته باشد (1). هم‌چنین، می‌توان تعارض‌های زناشویی را حاصل اختلاف نظر زوجین در زمینه اهداف شخصی، انگیزه‌ها، ارزش‌ها و یا اولویت‌های رفتاری دانست (2). اهمیت پرداختن به تعارض‌های زناشویی زمانی قابل درک خواهد بود که آثار آن بر سلامت جسمانی، روانی و سلامت خانواده، مورد توجه قرار بگیرد. تأثیر تعارض‌های شدید زناشویی بر بیماری‌های روانی از قبیل افسردگی و هم‌چنین بیماری‌های خاص جسمانی از قبیل درد مزمن ثابت شده است (3، 4). به علاوه، تعارض شدید زوجین با پیامدهایی از قبیل والدگری ضعیف،

(1) کارشناس ارشد روانشناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی. تهران، اوین، پژوهشکده خانواده، دورنگار: 021-22431919 (نویسنده مسئول)
(2) دکترای روانشناسی بالینی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده؛ (3) دکترای روانشناسی بالینی، استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
E-mail: minapahlavan1368@gmail.com

بر سبک‌های ناکارآمد مذکور، برخی از زوجین در حین تعارض، درباره مسایلی که آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است بحث می‌کنند، احساسات‌شان را به صورت مثبت ابراز می‌کنند و از گوش دادن فعال استفاده می‌کنند. این گروه از زوجین در هنگام بروز مشکلات، سعی در پیدا کردن راه حل دارند (20).

حال با توجه به اهمیت رفتارهای تعارضی زوجین، سوال مطرح شده آن است که منشأ رفتارهای زوجین در حین تعارض، در کجا قرار دارد. نظریه یادگیری اجتماعی معتقد است که مهارت‌های رویارویی که هر فرد به روابط زناشویی خود می‌آورد، در خانواده مبدأ آموخته می‌شوند (21). به همین دلیل، فرزندان والدین طلاق گرفته، کم‌تر از فرزندان والدین دیگر، مهارت‌های اجتماعی مانند حمایت کردن، توافق و حل مسأله را می‌آموزند. علاوه بر این دیدگاه، می‌توان گفت که محیط خانوادگی خصومت‌آمیز و یا گسسته، به رشد سبک دلبستگی ناایمن کمک می‌کند و این سبک دلبستگی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای ناسازگارانه در تعارض‌های زناشویی در بزرگسالی باشد (22، 23). هم‌چنین، می‌توان مشابهت ژنتیکی بین والدین و فرزندان را نیز، در شباهت رفتارهای آن‌ها در خلال تعارض به حساب آورد (24).

پژوهش‌های فوق حاکی از نقش خانواده در جامعه‌پذیری فرزندان و شکل‌گیری نوع واکنش به تعارض در آنها است. اما این فرآیند جامعه‌پذیری دقیقاً تکرار نمی‌شود و نسل‌های جدید، آداب و زندگی گذشتگان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند. عواملی مانند هم‌سالان، رسانه‌ها، وسایل ارتباط جمعی و در دیدگاه گسترده‌تر تغییر و تحولات موجود در جامعه، بر مطالبات، روحیات و رفتارهای هر نسل اثر می‌گذارند. از آن‌جا که کشور ما در مرحله گذار قرار دارد و بیش از سایر کشورها در معرض حوادث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، احتمالاً تفاوت موجود در رفتار نسل‌های مختلف، بیش از سایر کشورها در آن مشهود است (25). با توجه به توضیحات فوق، پژوهش حاضر قصد دارد رد پای این تغییرات را در نهاد خانواده و تعارضات زناشویی بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که آیا رفتارهای نسل‌های اخیر در هنگام تعارض، مانند والدین آن‌هاست و یا سایر عوامل اثرگذار بر جامعه‌پذیری و نیز حرکت جامعه از سنت به مدرنیته سبب شده است که فرزندان به گونه‌ای متفاوت رفتار

آن است که تعارض در زندگی زناشویی، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود و روش برخورد با تعارض، بیش از مفهوم و عوامل ایجادکننده آن، تعیین‌کننده تأثیر آن بر رابطه زوجین است. در صورتی که تعارض به خوبی مدیریت شود، با رشد و توانمندی همراه است و در صورت مدیریت ناکارآمد، زوجین محکوم به تحمل رابطه‌ای دل‌سردکننده خواهند بود (11). رفتارهای زوجین در هنگام تعارض، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود. برخی از زوجین در چرخه‌ای از تعاملات منفی فزاینده، گرفتار می‌شوند. این وضعیت در بلندمدت، سبب نارضایتی زناشویی می‌شود و با میزان بیش‌تری از پرخاشگری فیزیکی همراه است (12). یکی از تلاش‌های زوجین، ایجاد راهی برای خروج از این چرخه منفی است که معمولاً به دلیل همراه بودن با احساس‌های منفی شدید، با ناکامی روبه‌رو می‌شود. علاوه بر الگوی فوق که با نام الگوی منفی بودن متقابل شناخته می‌شود، الگوی تعاملی دیگری نیز وجود دارد که به نام الگوی مطالبه‌کننده - فاصله‌گیر¹ مطرح شده است (13). این الگو که جزء مخرب‌ترین و ناکارآمدترین الگوهای ارتباطی زوجین شناخته شده است، در حالتی بروز می‌کند که یک نفر خواهان تغییر در رابطه و دیگری از وضعیت موجود راضی باشند (14، 15). فرد خواهان تغییر، بحث می‌کند، شکایت می‌کند و به طرف مقابل فشار می‌آورد و در مقابل، دیگری از بحث اجتناب و کناره‌گیری می‌کند (16). در خصوص تفاوت‌های جنسیتی در اتخاذ نقش مطالبه‌کننده یا فاصله‌گیر، تحقیقات نشان داده است که زنان، بیش‌تر مطالبه‌کننده و مردان بیش‌تر فاصله‌گیر هستند (17). به دلایل تکاملی و یا اجتماعی، زنان بیش‌تر از مردان رابطه‌محورند و خواهان نزدیکی و صمیمیت بیش‌تر در مقایسه با مردان هستند (17). این تمایل و هم‌چنین مسئولیت زنان در کارخانه و نگهداری از فرزند، سبب مطالبه بیش‌تر از جانب زن و کناره‌گیری بیش‌تر از طرف مرد می‌شود (15). برخی از زوجین نیز از تعارض اجتناب می‌کنند و وارد بحث با یکدیگر نمی‌شوند و به عبارت دیگر الگوی اجتناب و کناره‌گیری را از خود نشان می‌دهند. رفتارهای اجتنابی همراه با عاطفه منفی، بیش از اجتناب خنثی، کاهش در رضایت زناشویی را به دنبال دارد (18). هم‌چنین، مطالعات نشان می‌دهند که کناره‌گیری زن، رضایت زناشویی مرد و زن را کاهش می‌دهد درحالی‌که کناره‌گیری مرد تأثیری بر رضایت زناشویی ندارد (19). علاوه

¹ demand-withdraw

کنند. در حال حاضر، درک کاملی از علت و مبانی دگرگونی‌های در حال وقوع در کشور صورت نگرفته است و ضرورت دارد که بخش‌های تأثیرپذیر از این تحولات مورد بررسی قرار بگیرند. خانواده زیربنایی‌ترین رکن جامعه است و چه بسا وقوع گذار در یک جامعه، از این نهاد آغاز می‌شود و به باقی ارکان‌ها گسترش می‌یابد. هم‌چنین، با در نظر گرفتن این نکته که اولین قدم در مدیریت کردن تغییرات موجود در جامعه، فهم آگاهی از سمت و سوی این تغییرات است، این پژوهش قصد دارد تا گامی در جهت شفاف‌سازی فضای موجود بردارد و تصویری روشن از بخشی از تغییرات در حال وقوع در خانواده ایرانی ارائه دهد.

روش

پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی است. هدف پژوهش حاضر، مقایسه واکنش به تعارض زوجین در سه نسل اخیر زنان و دو نسل اخیر مردان در افراد ساکن شهر تهران در سال 1392 بوده است.

از آن‌جا که افراد متعلق به نسل‌های مختلف جامعه، علاوه بر تعلق به یک نسل خاص، تفاوت‌های دیگری نیز با هم دارند، در انتخاب نمونه، تنها متغیر نسل مدنظر قرار نگرفت. به منظور کم کردن تفاوت میان افراد و به نوعی کنترل متغیرهای مداخله‌گر، افراد نسل‌ها از خانواده‌های واحد انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به گروه نمونه در این پژوهش، سکونت در شهر تهران و قرار داشتن در محدوده سنی 18 تا 30 سال برای متأهلان نسل سوم بود که مادر و مادر بزرگ آن‌ها در گروه زنان و پدر و پدر بزرگ آن‌ها در گروه مردان در قید حیات بودند. تمام اعضای گروه نمونه متأهل بودند. ابتدا شش گروه نمونه در نظر گرفته شدند. این شش گروه عبارت بودند از زنان نسل اول، زنان نسل دوم، زنان نسل سوم، مردان نسل اول، مردان نسل دوم و مردان نسل سوم. سه گروه زنان در نمونه ما شامل دختران، مادران و مادران مادرانشان بودند. سه گروه مردان نیز از پسران، پدران و پدران پدران تشکیل شده بودند. ولی در ادامه، دسترسی به اطلاعات مردان نسل اول با مشکلاتی روبه‌رو شد. با توجه به بالاتر بودن میانگین سنی ازدواج در مردان شهر تهران، بیش‌تر مردان نسل سوم متأهل ساکن این شهر که دسترسی به آن‌ها میسر می‌شد، بالای 28 سال سن داشتند که در این شرایط، پدر بزرگ پدری آن‌ها در قید حیات نبود و یا بیش از 80 سال سن داشت. با این وجود،

با سه نفر از مردان نسل اول (پدر بزرگ) با سنین 83، 90 و 100 سال مصاحبه شد ولی این افراد قادر به ارائه اطلاعات دقیق در خصوص تعارضات زناشویی و یا شیوه حل و فصل آن نبودند و دائماً با گفتن جملاتی از قبیل این که «مشکل خاصی نداریم» و یا «با هم کنار می‌آییم» جهت مصاحبه را به سمت گذشته کاری و سوابق شغلی خود تغییر می‌دادند که البته این شرایط در خصوص زنان نسل اول (مادر بزرگ) وجود نداشت و تمامی آن‌ها توضیحات کاملی را در خصوص تعارضات قبلی و جدید خود و نحوه کنار آمدن با آن‌ها بیان می‌کردند. البته این را نیز باید افزود که جلب توافق برای انجام مصاحبه نیز فرآیندی بسیار دشوار بود و چه بسا بودند مردانی که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، اما با نمونه‌گیری از طریق مصاحبه، موافقت نمی‌کردند. لذا گروه مردان نسل اول حذف و پژوهش با مردان نسل دوم و سوم ادامه یافت. نمونه‌گیری این پژوهش، در دو روش و به صورت در دسترس و هدفمند انجام شد. در مرحله اول که به شکل در دسترس بود، با مراجعه حضوری و یا نصب اعلامیه در سه مسجد در مناطق دو، شش و 12، قرار دادن اعلامیه در شبکه‌های اجتماعی و یا درخواست کمک از اساتید، دوستان و آشنایان برای معرفی افراد واجد شرایط، اقدام به جمع‌آوری نمونه در دسترس شد. از یکی از افراد سه نسل زنان (دختر، مادر و یا مادر بزرگ) و دو نسل مردان (پسر و یا پدر)، که او و خانواده‌اش، ملاک‌های ورود به مطالعه را داشتند، برای شرکت در پژوهش دعوت به عمل می‌آمد. برای این افراد توضیح داده می‌شد که پژوهش حاضر، با استفاده از روش مصاحبه، تفاوت‌های بین نسلی در خانواده را مورد مطالعه قرار می‌دهد. بعد از جلب موافقت این افراد، از آنها درخواست می‌شد تا ضمن صحبت با نسل‌های دیگر، توافق آن‌ها را نیز برای شرکت در پژوهش جلب نمایند و در صورت موافقت، دو نسل دیگر زنان و نسل دیگر مردان نیز به صورت هدفمند وارد پژوهش شدند و مصاحبه با آنها صورت گرفت. در صورت عدم موافقت، افراد از فرآیند پژوهش کنار گذاشته می‌شدند. مصاحبه‌ها در مورد زنان با مراجعه به محل زندگی آنها و در خصوص مردان به صورت تلفنی انجام پذیرفت. در خصوص حجم نمونه، از آن‌جا که روش پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از مصاحبه بود، روند نمونه‌گیری تا زمانی که اطلاعات ارائه شده تکراری شدند و دیگر داده جدیدی به دست نیامد (اشباع اطلاعات)، ادامه داشت. در این پژوهش،

جدول 1- ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه

مدت ازدواج	سن همسر	سن	نسل	
میانگین	میانگین	میانگین		
(انحراف معیار)	(انحراف معیار)	(انحراف معیار)		
53/4 (5/1)	77/3 (6/8)	71/3 (6/1)	1	زن
30/4 (4/5)	54/8 (4/9)	48/7 (4/7)	2	
5/6 (3/7)	31/1 (3/5)	27 (2/5)	3	
31/6 (3/1)	50/1 (5/2)	54 (6/3)	2	مرد
3/5 (1/3)	24/7 (2/6)	27/7 (1/2)	3	

نتایج به دست آمده از این پژوهش، در دو بخش قابل ارائه است. در بخش اول، مفاهیم حاصل از کدگذاری داده‌ها به همراه مثال‌هایی از هر یک ارائه می‌شود. در بخش دوم نیز، به مقایسه رفتارها و واکنش‌های افراد نسبت به تعارض، در سه نسل زنان و دو نسل مردان پرداخته خواهد شد. در قسمت اول، مفاهیم حاصل از کدگذاری باز مصاحبه با سه نسل زنان و دو نسل مردان همراه با یک مثال از هر مفهوم ارائه شده است. باید افزود که مثال‌های ارائه شده در زیر هر مفهوم، لزوماً رفتارهای فرد گزارش‌کننده نیستند و چه بسا ممکن است رفتار همسر فرد گزارش‌کننده، به عنوان مثالی از هر مفهوم بیان شده باشد.

الف. واکنش‌های مرحله اول

منظور از واکنش‌های مرحله اول، واکنش‌هایی است که در موقعیت تعارض توسط نفر اول نشان داده می‌شود.

- مطرح نکردن موضوع تعارض برانگیز

خانم غ 72 ساله: «شوهر من مریضه، من برایش خیلی زحمت می‌کشم و همه کارهاش رو انجام میدم... ولی هیچ وقت قدردان من نیست... زبان تشکر نداره... فکر می‌کنه وظیفه منه... ولی من هم هیچی نمی‌گم... اصلاً نمی‌گم... چون می‌دونم اگه بگم، می‌گه منت می‌ذاری...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به صورت مستقیم

توسط نفر اول

آقای ج 46 ساله: «خانم به ویژگی شخصیتی داره که من رو ناراحت می‌کنه... وقتی این ویژگی‌هاشون بروز پیدا می‌کنه، اگه موقعیتی مثل مهمونی باشه، اون لحظه چیزی رو بروز نمی‌دم... شاید با نگاه به ایشون بفهمونم که کارشون اشتباهه... ولی موضوع رو در خلوت باهاشون در میون می‌گذارم...»

اطلاعات کسب شده برای گروه‌های نسلی مختلف با حدود شش تا هشت مصاحبه به اشباع رسید. ولی به منظور فراهم شدن امکان مقایسه بهتر بین تمامی گروه‌ها، روند نمونه‌گیری تا آنه نفر در هر گروه نسلی ادامه پیدا کرد.

اطلاعات موردنیاز در این پژوهش، از طریق سناریوهایی درباره تعارض‌های زوجین و با استفاده از روش مصاحبه عمقی نیمه ساختاریافته اتخاذ شد. برای ساختن سناریوها، ابتدا پرسش‌نامه تعارضات زناشویی (MCQ)¹ و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ (EMS)² (فرم کوتاه) مورد بررسی قرار گرفتند و 10 بُعد تعارضات زناشویی از آنها اتخاذ شد. این ابعاد عبارت‌اند از: 1. مالی؛ 2. فرزندپروری؛ 3. جنسی؛ 4. شغلی؛ 5. مذهبی؛ 6. ویژگی‌های رفتاری؛ 7. خانواده همسر؛ 8. نقش‌های جنسیتی؛ 9. اوقات فراغت؛ 10. ارتباط اجتماعی. سپس برای هر یک از این 10 حیطه، سناریوهایی ساخته شد. در مرحله اجرا، ابتدا پژوهش‌گر لیستی از حیطه‌های تعارض زوجین را در مقابل آزمودنی قرار می‌داد و از او می‌خواست تا حیطه‌هایی را که در آن دچار تعارض هستند، مشخص کند. سپس محقق سناریوهایی را در هر یک از حیطه‌های تعارض موردنظر توسط آزمودنی، مطرح می‌کرد و از آزمودنی می‌خواست تا پاسخ دهد که اگر در چنین موقعیتی قرار داشته باشد، خودش و همسرش چه رفتاری را نشان می‌دهند.

با توجه به کیفی بودن این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش تحلیل محتوا به کار برده شد. در این روش، داده‌ها به صورت سطر به سطر و یا پاراگراف به پاراگراف، کدبندی و مفاهیم اولیه استخراج می‌شدند. بعد از این مرحله که کدگذاری باز نامیده می‌شود، مفاهیم اولیه در کنار هم گذاشته شدند و براساس نکات مشترک به صورت یک مقوله محوری درآمدند. در این مرحله از تحلیل، که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، از طریق مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم، مقوله‌ها ایجاد شدند.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش از طریق مصاحبه با آنه نفر در هر گروه نسلی به دست آمد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه در جدول 1 آمده است.

¹ Marital Conflict Questionnaire

² Enrich Marital Satisfaction Scale

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز توسط نفر اول به شکل غیر مستقیم (سرسنگینی، درخود رفتن)

آقای م 28 ساله: «من از خانمم می‌خوام که به جاهایی رو کم‌تر بروند یا با یه سری از آدم‌ها کم‌تر رفت و آمد بکنند... منتها من کلاً دیر می‌گم... منتظرم که یه بهانه‌ای وجود داشته باشه... قبلش تو خودم می‌رم و سرسنگین می‌شم...»

ب. واکنش‌های مرحله دوم

منظور از واکنش‌های مرحله دوم، واکنش‌هایی است که بعد از مرحله اول، توسط خود فرد یا طرف مقابل او نشان داده می‌شوند.

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، درخود رفتن) توسط نفر اول و سپس مطرح کردن موضوع به شکل مستقیم توسط خود او

خانم الف 45 ساله: «شوهرم اوایل نمی‌داشت من خیلی جاها برم یا با خیلی آدم‌ها رفت و آمد کنم... وقتی جایی می‌رفتم که ناراحت می‌شد یا کاری می‌کردم که ناراحت می‌شد، قهر می‌کرد... سکوت می‌کرد... هر چی من می‌گفتم چته چیزی نمی‌گفت... تا این که خودش حرف می‌زد و وقتی حرف می‌زد با عصبانیت می‌گفت...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، درخود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - حل تعارض بعد از مذاکره

آقای م 28 ساله: «ما نوع سلیقه‌مون در زمینه مسایل مالی با هم متفاوته... سلیقه خرج کردنمون با هم فرق می‌کنه... وقتی دلخوری‌ای به وجود میاد، قبلش سکوت و سرسنگینی وجود داره... من دیر به حرف میام... اون وقت خانمم میاد سکوت رو می‌شکنه و باب صحبت رو باز می‌کنه... با هم آروم حرف می‌زنیم و آخرش معمولاً به پذیرش و دلجویی منجر می‌شه...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، درخود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره

آقای م 28 ساله: «من از خانمم می‌خوام که یه جاهایی رو کم‌تر بروند یا با یه سری از آدم‌ها کم‌تر رفت و آمد بکنند... منتها من کلاً دیر می‌گم... منتظرم که یه بهانه‌ای وجود

داشته باشه... قبلش سرسنگین می‌شم... ولی این روابط چون از قدیم وجود داره، ترک و پذیرش سخته، خانمم سخته که قبول کنه...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، درخود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با رفتارهای هیجانی طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره

آقای س 29 ساله: «معمولاً من بیش‌تر از خانمم تمایل جنسی دارم و سخته که در این رابطه باهاش حرف بزنم... معمولاً ما زمان ایده‌آلی راجع به این قضیه نداریم... معمولاً من اولش دو سه روز تو خودم می‌رم و ساکت می‌شم... این سکوت، یکی دو روز طول می‌کشه تا این که خانمم سعی می‌کنه از دل من دربیاره... این مسأله، بیش‌ترین مسأله‌ایه که وقتی راجع بهش حرف می‌زنیم، عصبانی می‌شیم... تا حالا که به رویه عملی که مانع از این بشه که این قضیه ناراحت‌کننده باشه، نرسیدیم...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن همراه با واکنش هیجانی نفر دوم . خانم ب 71 ساله: «گاهی وقتا که عروسی یا مهمونی دعوت می‌شیم، وقتی بهش می‌گم شروع می‌کنه به داد و بیداد کردن و می‌گه من نیام... من هم هیچی نمی‌گم و میذارم داد و بیدادهاش تموم شه... بعد می‌شینم و اسش توضیح می‌دم تا راضی شه...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره

خانم الف 65 ساله: «حاج آقا اهل مهمونی اومدن نیست... سخته که مهمونی بیاد... وقتی بهش می‌گم بیا بریم فلان جا، می‌گه خودت بری بهتر نیست؟... منم می‌گم تنهایی نمی‌رم... من سعی می‌کنم راضیش کنم... اونم وقتی می‌بینه من ناراحت شدم، می‌گه باشه حالا ببینیم چی می‌شه... آخرش هم نمی‌ریم...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - حل تعارض بعد از مذاکره

فقط گوش می‌کنه... ساکنه و به من اهمیتی نمی‌ده... آخرش هم کار خودش رو می‌کنه... منم بعد از این که گفتم می‌رم...»
- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم

توسط نفر اول و ترک موقعیت توسط نفر دوم

• خانم ح 72 ساله: «حاج آقا خیلی کار می‌کنه... از صبح تا شب بیرونه و داره کار می‌کنه... وقتی بهش اعتراضی می‌کنم، هیچی نمی‌گه... زود میره بیرون و چند ساعت بعد برمی‌گرده... همیشه همین‌طور بوده... تا یه چیزی می‌شد می‌رفت بیرون و من هم تو خودم می‌ریختم...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم

توسط نفر اول و تسلیم (پذیرش) نفر دوم

• خانم س 30 ساله: «وقتی من از رفتار یا حرفی تو خانواده شوهرم ناراحت می‌شم، به شوهرم می‌گم... با دعوا و داد هم می‌گم... اون هم هیچی نمی‌گه... اصلاً جواب نمی‌ده... منم این قدر رو مخش می‌رم تا بگه باشه تو راست می‌گی...»

ب. در این بخش مفاهیمی که در کدگذاری باز تجزیه شده‌اند، در ترکیبی جدید به هم متصل می‌شوند و مقوله عمده‌ای را تشکیل می‌دهند. در **جدول 2**، مفاهیم اولیه، مقوله‌های عمده و مقوله هسته‌ای، ارائه شده است.

• خانم ب 53 ساله: «روزهای جمعه شوهرم دوست داره برنامه‌ریزی کنه و این ور و اون ور بریم... ولی چون آگه بخوایم بریم، همه کارها به دوش منه، من خیلی تمایل نشون نمی‌دم... البته سعی می‌کنیم همدیگه رو قانع کنیم... گاهی اون می‌پذیره... منم آگه بدونم دوست داره، راضیم... در این زمینه رضایت اون واسم شرطه...»

- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم
 توسط فرد اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با رفتارهای هیجانی طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره

• خانم ر 59 ساله: «شوهرم دوست داره با دوست و همسایه رفت و آمد کنیم... ولی من دوست ندارم... آگه اخلاقشون با من یکی نباشه، من راحت نیستم... وقتی بهم می‌گه، بحث مون می‌شه... خیلی که گیر می‌ده، من عصبانی می‌شم و داد می‌زنم... اون هم زود می‌ره کنار و کوتاه می‌اد...»
- مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم

توسط نفر اول و سکوت نفر دوم

• خانم ک 76 ساله: «حاج آقا به مسایل مذهبی اهمیتی نمی‌ده... به حلال و حروم اهمیتی نمی‌ده... من فقط حرف می‌زنم... واسش از اهمیت این جور مسایل می‌گم... ولی اون

جدول 2- مفاهیم اولیه، مقوله‌های عمده و مقوله هسته‌ای

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله هسته‌ای
مفاهیم	مقوله عمده	واکنش همسران به تعارض
		واکنش‌های مرحله اول
مفاهیم	مقوله عمده	مطرح نکردن موضوع تعارض برانگیز
		مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به صورت مستقیم توسط نفر اول
مفاهیم	مقوله عمده	مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز توسط نفر اول به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، در خود رفتن)
		واکنش‌های مرحله دوم
مفاهیم	مقوله عمده	مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، در خود رفتن) توسط نفر اول و سپس مطرح کردن موضوع به شکل مستقیم توسط خود او
		مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، در خود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - حل تعارض بعد از مذاکره

¹ avoidant
² approach

مفاهیم	مقوله عمده	مقوله هسته‌ای
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، در خود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره	روی آوردن غیرمستقیم نفر اول ←	واکنش همسران به تعارض
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل غیرمستقیم (سرسنگینی، در خود رفتن) توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با رفتارهای هیجانی طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره	روی آوردن مستقیم نفر اول ←	
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن همراه با واکنش هیجانی نفر دوم	روی آوردن مستقیم نفر دوم ←	
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با آرامش طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره	روی آوردن مستقیم نفر اول ←	
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و روی آوردن نفر دوم و مذاکره همراه با رفتارهای هیجانی طرفین درباره موضوع تعارض برانگیز - عدم حل تعارض بعد از مذاکره	روی آوردن مستقیم نفر دوم ←	
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و سکوت نفر دوم	روی آوردن مستقیم نفر اول ←	اجتناب نفر دوم
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و ترک موقعیت نفر دوم		
مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز به شکل مستقیم توسط نفر اول و تسلیم (پذیرش نفر دوم)		

نتایج بررسی داده‌ها نشان داد که در تمام گروه‌های نسلی در هر دو جنس، رفتار روی آوردن در برابر تعارض، بیش از اجتناب از تعارض مشاهده شد. البته باید گفت که اجتناب از تعارض، در نسل دوم، بیش از نسل سوم گزارش شد. این نتایج، در **جدول 3** نشان داده شده است.

هم‌چنین، رفتار اجتناب از تعارض در نسل دوم زنان، بیش از نسل اول و سوم زنان و در مردان نسل دوم، بیش از مردان نسل سوم گزارش شد. به علاوه زنان به طور کلی، اجتناب از تعارض بیشتری را در مقایسه با مردان گزارش کردند.

در بخش دوم از نتایج، یافته‌های حاصل از مقایسه واکنش به تعارض زوجین در گروه‌های نسلی مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول 3 - روی آوردن در برابر تعارض و اجتناب از آن در میان نسل دوم و سوم

نسل سوم	نسل دوم	
فراوانی (%)	فراوانی (%)	
58 (90/7)	40 (77)	روی آوردن در برابر تعارض
6 (9/3)	12 (23)	اجتناب از تعارض

جدول 4- مقایسه روی آوردن در برابر تعارض و اجتناب از آن در زنان سه نسل اخیر و مردان دو نسل اخیر

مردان		زنان			
نسل سوم	نسل دوم	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	
27 (93/2)	21 (88)	31 (88/5)	19 (68)	16 (76)	روی آوردن در برابر تعارض
2 (6/8)	3 (12)	4 (11/5)	9 (32)	5 (24)	اجتناب از تعارض

جدول 5- مقایسه مذاکره آرام، مذاکره هیجانی و حل تعارض در زنان سه نسل اخیر و مردان دو نسل اخیر

مردان		زنان			
نسل سوم	نسل دوم	نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	فراوانی (%)	
20 (92/5)	13 (90/4)	23 (96/7)	15 (94/7)	6 (50)	مذاکره آرام
5 (20)	6 (31/5)	7 (23/3)	3 (16/6)	2 (12/5)	مذاکره هیجانی
6 (24)	8 (42/1)	4 (13/3)	2 (11)	1 (6/2)	حل تعارض

تفاوت سنی این دو نسل باشد. پژوهشگران معتقدند که تمایل افراد برای ابراز مستقیم تعارض و یا اجتناب از آن، با تمایل به خود- افشاگری¹ در آنها مرتبط است (26). این خود- افشاگری و تمایل اشخاص برای ارتباط مستقیم و ابرازی، با افزایش سن کاهش می‌یابد (26). به علاوه، عده‌ای از نظریه‌پردازان معتقدند که بین تعداد سال‌های زندگی و اجتناب از تعارض، رابطه مثبت وجود دارد (27). به این معنا که افرادی که مدت زمان زیادی با هم زندگی می‌کنند، بیش از زوج‌های جوان‌تر، رفتارهای اجتنابی را از خود نشان می‌دهند. گویا این افراد از تأثیر درگیری در تعارض بر افکار، احساس‌ها و رفتار آگاهی دارند و لذا سعی می‌کنند با اجتناب از طرح موضوعات تعارض‌برانگیز، مانع از ایجاد فضای منفی در زندگی خود شوند (27). مطالب گفته شده زمانی صادق است که بپذیریم واکنش افراد در برابر تعارض، مطابق با تعداد سال‌های زندگی و به عبارتی چرخه زندگی تغییر می‌کند، در حالی که عده‌ای از نظریه‌پردازان رفتاری معتقدند که زوجین با تفاوت‌های فردی با یکدیگر ازدواج می‌کنند و این تفاوت‌ها در طول زمان ثابت می‌مانند (28، 29). در نتیجه ممکن است که اجتناب بیش‌تر نسل دوم نسبت به نسل سوم، به علت تفاوتی در ویژگی‌های این دو نسل باشد. همان‌طور که گفته شد، محققان معتقدند که میزان ابراز مستقیم تعارض و یا ترجیح فرد برای اجتناب از آن، منعکس‌کننده تمایل و یا عدم

جدول 4 نشان‌دهنده روی آوردن در برابر تعارض و اجتناب از آن در میان گروه‌های نسلی دو جنس است.

در این پژوهش، علاوه بر رفتارهای روی آوردن در برابر تعارض و اجتناب از آن، رفتارهای دیگر در حین تعارض نیز مورد بررسی قرار گرفت. برای مثال، مشخص شد که پرداختن به تعارض، در نسل سوم زنان بیش از نسل دوم و در نسل دوم بیش از نسل اول زنان، منتهی به مذاکره می‌گردد. منتهی شدن روی آوردن در برابر تعارض به مذاکره، در میان نسل سوم مردان نیز بیش از مردان نسل دوم مشاهده شد. هم‌چنین، نتایج نشان داد که مذاکره هیجانی در نسل سوم زنان، بیش از نسل دوم زنان و در نسل دوم، بیش از نسل اول زنان، روی می‌دهد. حل تعارض نیز مفهومی است که از کدگذاری داده‌ها استخراج گردید و مشخص شد که زنان نسل سوم بیش از زنان نسل دوم و زنان نسل دوم بیش از زنان نسل اول تعارضات خود را حل شده گزارش می‌کنند؛ این در حالی است که مردان نسل دوم، گزارش‌های بیش‌تری از حل تعارض در مذاکرات در مقایسه با مردان نسل سوم ارائه داده‌اند. این یافته‌ها، در جدول 5 به نمایش درآمده است.

بحث

داده‌ها حاکی از آن است که میزان اجتناب از تعارض در نسل دوم بیش از نسل سوم است. شاید گزارش موارد بیش‌تر اجتناب از تعارض در نسل دوم نسبت به نسل سوم، به دلیل

¹ self- disclosure

تمایل فرد به خود-افشاگری است (30). لذا شاید بتوان تفاوت در اجتناب نسل دوم و سوم را متأثر از ویژگی خودافشاگری و ابراز خود در این افراد دانست. ممکن است تمایل به ابراز مستقیم نگرانی‌ها در نسل دوم کم‌تر از نسل سوم باشد و یا این که فرهنگ جامعه، مجال بیش‌تری را به منظور ابرازگری در اختیار نسل سوم قرار می‌دهد و به همین دلیل نسل سوم، موارد بیش‌تری از ابراز تعارض را گزارش کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد، اجتناب از تعارض در زنان نسل دوم، بیش از زنان نسل اول و سوم مشاهده شد. مطابق با توضیحات پیشین، تمایل افراد برای ابراز مستقیم تعارض در مقابل اجتناب از آن، تا حدودی متأثر از ویژگی خود-افشاگری در آنها است که مطابق با افزایش سن، کاهش می‌یابد. در این صورت، باید شاهد بیش‌تر بودن اجتناب نسل اول نسبت به نسل دوم و نسل دوم زنان در مقایسه با نسل سوم باشیم. در صورتی که یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که میزان اجتناب نسل دوم زنان، بیش از نسل اول و سوم است. شاید بتوان در تبیین این تناقض، متغیری به نام برجستگی¹ (اهمیت) تعارض را نیز وارد بحث کرد. در زوج‌های جوان، میزان ابرازگری افراد در رابطه با موضوعات مهم و یا غیرمهم، تفاوتی ندارد. به عبارت دیگر، زوجین جوان در هر دو حالت، روی آوردن در برابر تعارض و برخورد مواجهه‌گرانه با آن را ترجیح می‌دهند و احتمالاً به همین دلیل است که روی آوردن در برابر تعارض در زنان نسل سوم این پژوهش، بسیار بیش‌تر از اجتناب از تعارض گزارش شده است. در حالی که افراد در سال‌های میانی عمر، در صورت برجستگی و اهمیت موضوع، به صورت مستقیم با آن مواجه می‌شوند و در غیر این صورت، ابرازگری کم‌تری را نشان می‌دهند. هرچند که در زنان نسل دوم این پژوهش نیز، اجتناب از تعارض بیش از نسل سوم گزارش شده است. اما در ارتباط با افراد مسن باید گفت که این افراد، در موضوعات مهم، با تعارض به شکل مستقیم برخورد می‌کنند و در حالتی که موقعیت و یا مبحث تعارض برای آن‌ها از اهمیت برخوردار نباشد، کم‌ترین حد افشاگری در انتقال ناراحتی را از خود نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که گاه به مکالمه‌ای بسیار کوتاه، خلاصه و نامتمرکز بر موضوع (غیرصریح)² منتهی می‌شود. چون با افزایش سن، از اهمیت و برجستگی موضوعات تعارضی کاسته می‌شود، استفاده افراد مسن نیز از

این الگو، افزایش می‌یابد (26). لذا با استفاده از این دیدگاه، در خصوص زنان نسل اول، شاید بتوان گفت که این افراد، به تعارضات با اهمیت خود روی می‌آورند و رویکرد ابرازگرانه در برابر آن نشان می‌دهند و زمانی که تعارضی برای آن‌ها از اولویت برخوردار نیست، از آن اجتناب می‌کنند ولی گویا این اجتناب در دو سطح صورت می‌گیرد: در سطح اول و در خصوص برخی تعارضات، این اجتناب، گزارش شده است و در سطح دوم و در خصوص برخی تعارضات با اولویت بسیار پایین، این اجتناب به مکالمه‌ای کوتاه، مختصر و نامتمرکز بر موضوع ختم شده است و چون عملاً کنش و واکنشی معنادار، بین زوجین صورت نگرفته است، گزارشی نیز از این نوع تعارضات و شیوه مغرضانه برخورد با آن، ارائه نشده باشد و احتمالاً به این دلیل، گزارش اجتناب از تعارض در نسل دوم از نسل اول بیش‌تر است.

حل تعارض و مذاکره هیجانی نیز مفهومی است که در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفت. مذاکره هیجانی در زنان نسل سوم، بیش از دوم و در دوم بیش از نسل اول زنان گزارش شد. مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که به دلیل افزایش توانایی کنترل هیجان‌ها، با گذشت زمان، از خشم، نفرت و سلطه‌گری افراد در تعاملات زناشویی کاسته می‌شود (31). در خصوص ادراک از حل تعارض نیز باید گفت که اگرچه مردان نسل دوم، موارد حل تعارض بیش‌تری را در مقایسه با مردان نسل سوم گزارش کرده‌اند و این همسو با یافته‌های محققان مبنی بر آن است که افزایش سن، سبب استفاده بیش‌تر از روش‌های حل تعارض سازنده می‌شود، اما گزارش حل تعارض در زنان نسل سوم، بیش از زنان نسل دوم و در زنان نسل دوم، بیش از زنان نسل اول بود. شاید بتوان گفت که حل تعارض، نتیجه فرآیند مذاکره در تعاملات زناشویی است (32). یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که روی آوردن در برابر تعارض در نسل سوم بیش‌تر از نسل دوم و در نسل دوم بیش‌تر از نسل اول زنان، به مذاکره منتهی شده است. لذا ممکن است بالاتر بودن ادراک از حل تعارض در نسل سوم و دوم نسبت به نسل اول زنان، به دلیل بیش‌تر بودن فرآیند مذاکره در آنها باشد.

همان‌طور که گفته شد، زنان در مقایسه با مردان اجتناب بیش‌تر از تعارض را گزارش کرده‌اند. در این پژوهش، دو نوع اجتناب از تعارض در میان زوجین شناسایی شد: در نوع اول، افراد به طور کلی از مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز در

¹ salient² non-committal

در برابر روی آوردن همسر، در مردان نسل دوم و سوم در مقایسه با مردان نسل اول، کاهش داشته است. در تبیین این یافته می توان گفت که پژوهش ها نشان می دهد که در بسیاری از موارد، مردان به دلیل داشتن قدرت بیش تر در تصمیم گیری، از وضعیت خود راضی هستند و لذا از تعارض کناره گیری می کنند. زیرا در گیر شدن در تعارض ممکن است به تغییر وضعیت موجود و یا تفویض بخشی از قدرت آن به زنان، منجر شود (34). از سوی دیگر، پژوهش ملک عسگر (36) نشان داد که زنان نسل دوم و سوم، استانداردهای بیش تری در زمینه کنترل و اعمال قدرت در خانواده دارند، حال آن که استانداردهای مردان در زمینه قدرت و تصمیم گیری در خانواده در طول سه نسل، تغییری معنادار نداشته است. ملک عسگر در پژوهش خود عنوان کرد که میزان رضایتمندی زنان از تحقق استانداردهایشان در طول سه نسل، دارای ثبات نسبی بوده است و این یعنی مردان نسل دوم و سوم مخالف استانداردهایشان عمل کرده اند و کنترل و قدرت بیش تری را به زنان تفویض کرده اند و احتمالاً به همین علت است که رفتارهای کناره گیری کم تری را نسبت به مردان نسل اول نشان می دهند (35). جامعه شناسان نیز بر این باورند که نسل جوان بیش از مردسالاری، به توزیع افقی قدرت در خانواده به جای اقتدار عمودی آن می اندیشد و لذا گرایش به پیدایش خانواده دموکراتیک که در آن زوجین به مطالبات متقابل یکدیگر احترام می گذارند و تصمیمات اساسی خانواده را با توافق طرفین اتخاذ می کنند، مخصوصاً در میان زنان بیش تر شده است (25).

در مجموع در خصوص تغییرات نسلی رفتار تعارضی می توان گفت که نسل های گذشته، اجتناب از تعارض بیش تری را در مقایسه با نسل های اخیر نشان می دهند. این اجتناب از تعارض یا به علت تفاوت سنی و چرخه زندگی این افراد است و یا از نگرش ها و تمایلات نسل دوم در خصوص ابراز و یا اجتناب از تعارض و تفاوت این نگرش ها و تمایلات با تمایلات نسل سوم ناشی می شود. هم چنین زنان، اجتناب از تعارض بیش تری را در مقایسه با مردان گزارش کردند که این تفاوت احتمالاً به دلیل پایین بودن اجتناب در زنان، پاسخگو بودن آن ها در بحث تعارضی و هم چنین قدرت و کنترل بیش تر زنان در دو نسل اخیر است.

در خصوص محدودیت ها باید گفت که ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه عمقی بوده است و لذا نمی توان تأثیر

رابطه خودداری می کنند. در نوع دوم نیز، افراد در برابر روی آوردن همسر به تعارض، رفتارهایی از قبیل سکوت، کناره گیری و ترک موقعیت را از خود نشان می دهند. مبانی نظری، به بیش تر بودن هر دو نوع اجتناب در مردان در مقایسه با زنان اشاره دارند. اما نتایج پژوهش حاضر خلاف این مطلب را نشان داد و مردان دو نسل، گزارش کمی از بروز رفتارهای اجتنابی را ارائه دادند. در ارتباط با گزارش اندک مردان در خصوص عدم مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز می توان گفت که برخی پژوهش ها نشان می دهد گاه افراد به دلیل نگرانی از واکنش های طرف مقابل، تمایل به مطرح نکردن شکایات خود از رابطه دارند. این اشخاص تصور می کنند که قادر به برقراری ارتباط با همسران شان درباره موضوع تعارض نیستند و لذا از مطرح کردن موضوع تعارض برانگیز اجتناب می کنند (33). این در حالی است که پژوهش حاضر نشان می دهد که احتمال رفتارهایی از قبیل کناره گیری، سکوت و ترک موقعیت در زنان به دنبال مطرح شدن موضوع تعارض از سوی مردان، اندک است. در این مطالعه، زنان گزارشی از اجتناب خود به دنبال مطالبه مردان را ارائه نکرده اند و مردان نیز، چهار مورد الگوی مرد مطالبه - زن فاصله را در 53 موقعیت تعارضی گزارش کرده اند. هم چنین، همان طور که پیش تر گفته شد، ادراک از حل تعارض در مردان این پژوهش، بیش از زنان وجود دارد. لذا شاید بتوان فراوانی کم تر اجتناب از تعارض در مردان در مقایسه با زنان را به دلیل اجتناب پایین زنان در برابر روی آوردن مردان و هم چنین گزارش زیاد مردان از حل تعارض در مذاکرات، دانست. به عبارت دیگر، گویا مردان راحت تر از زنان موضوع را مطرح می کنند و کم تر از زنان، از تعارض اجتناب می کنند، زیرا نسبت به پیامدهای بیان کردن موضوع، احساس نگرانی ندارند و تصور می کنند که قادرند درباره موضوع تعارض با همسران ارتباط برقرار کنند. هم چنین در خصوص پایین بودن اجتناب مردان در برابر روی آوردن زنان به تعارض باید گفت که مطابق با توضیحات پیشین، روی آوردن زنان نسل دوم و سوم در برابر تعارض، بیش از روی آوردن زنان نسل اول، به مذاکره منتهی می گردد و این یعنی مردان نسل اول در مقایسه با مردان نسل دوم و سوم، اجتناب بیش تری را در برابر روی آوردن زنان شان به تعارض نشان می دهند. این یافته همسو با گزارش خود مردان نسل دوم و سوم در خصوص اجتناب از تعارض است و همگی مؤید آن است که اجتناب

2. Zeidner M, Kloda I. Emotional intelligence (EI), conflict resolution patterns and relationships satisfaction, actor and partner effect revisited. *Pers Individ Diff*. 2013; 54: 278- 283.
3. Williams K. Has the future of marriage arrived? A contemporary examination of gender, marriage, and psychological well-being. *J Health Soci Behave*. 2003; 44(4): 470.
4. Umberson D, Williams K, Powers DA, Liu H, Needham B. You make me sick: Marital quality and health over the life course. *J Health Soci Behav*. 2006; 47(1): 1-16.
5. Erel O, Burman B. Interrelatedness of marital relations and parent-child relations: A meta-analytic review. *Psycho Bulletin*. 1995; 118(1): 108.
6. Osarenren N, Nwadinigwe P, Anyama S. The impact of marital conflicts on the psychosocial adjustment of adolescents in Lagos Metropolis, Nigeria. *J Emer Tren in Edu Rese Policy Stud*. 2013; 4(2): 320-326.
7. Enayat H, Yaghubidust M. Investigating the relationship between marital conflict and domestic violence towards grails. *Women Soci*. 2013; 3(3): 1-29. Persian.
8. Gharehbaghy F, Vafayi MA. Marital conflict and the role of child temperament. *J Iranian Psy*. 2009; 5 (18): 137-147. Persian.
9. Orbuch TL, Veroff, J, Hassan H, Horrocks J. Who will divorce: A 14-year longitudinal study of black couples and white couples. *J Soci Pers Relat*. 2002; 19(2): 179-202.
10. Mahzoun AA. Divorce, marriage, death and birth in Iran [internet]. Tehran: mehr social news; 2014 [updated 2014 Dec 3; cited 2015 June 13]. Available from: <http://www.wikijavan.com/>
11. Greeff AP, Bruyne TD. Conflict management style and marital satisfaction. *J Sex Marriage Ther*. 2000; 26: 321- 334.
12. Gottman JM. What Predicts Divorce? The Relationship Between Marital Processes and Marital Outcomes. New York: psychology press; 2014.
13. Christensen A, Shenk JH. Communication, conflict and psychological distance in non-distressed, clinical and divorcing couples. *J Consul Clinical Psy*. 1991; 59(3): 458-463.

جنسیت مصاحبه کننده بر پاسخ‌های افراد را نادیده گرفت. ضمن این که افراد به طور کلی تمایل به نشان دادن تصویری مثبت از خود، به خصوص در مصاحبه با شخص دیگر دارند. لذا تلاش شد تا با اطمینان دادن به افراد در خصوص محرمانه بودن اطلاعات و هم‌چنین استفاده نکردن از جملات قضاوتی در طول مصاحبه، تا حدودی از این ضعف کاسته شود. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، به دلیل مشکلات موجود در روند نمونه‌گیری، نسل اول مردان از پژوهش حذف و مطالعه با مردان نسل دوم و سوم ادامه پیدا کرد که با توجه به این که در خصوص اجتناب مردان نسل اول (پدربزرگ‌ها)، به یافته‌های زنان نسل اول (مادربزرگ‌ها) استناد شد و گزارشی از خود این افراد در ارتباط با اجتناب‌شان از تعارض دریافت نشد، در دست داشتن داده‌های مربوط به مردان نسل اول از طریق مصاحبه با خودشان، امکان مقایسه مستندتری را فراهم می‌کرد. هم‌چنین، در این پژوهش به گزارش‌های افراد در خصوص رفتارهای حین تعارض استناد شد و بررسی این که چه میزان گزارش این اشخاص به واقعیت نزدیک است، امکان‌پذیر نبود. به ویژه این که احتمالاً رابطه‌مدار بودن کم‌تر مردان، بر گزارش آنها در خصوص نوع تعارضات و رفتارهای ارتباطی آنها و همسران‌شان تأثیر گذار است (17). لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، رفتارهای تعارضی، به صورت زوجی و از دیدگاه زن و شوهر بررسی شود. به علاوه، نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها در این پژوهش، مؤید رفتارهای گوناگون زوجین در موقعیت تعارض برانگیز بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود ابزاری جدید به منظور سنجش الگوهای تعاملی زوجین با استفاده از یافته‌های این پژوهش ساخته شود و نتایج این مطالعه با پژوهش‌های کمی دیگر، بررسی شود. هم‌چنین، با توجه به فهم رفتارهای تعارضی هر نسل، می‌توان در جهت یافتن نقاط ضعف و قوت واکنش به تعارض هر نسل و تلاش در جهت کارآمد کردن این رفتارها، قدم برداشت. [این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است].

[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].

منابع

1. Koerner AF, Fitzpatrick MA. You never leave your family in the fight: The impact of family of origin on conflict behavior in romantic relationship. *Commun Stud*. 2002; 53(3): 234-251.

14. Heavey CL, Layne C, Christenson A. Gender and conflict structure in marital interaction: A replication and extension. *J Consul Clinical Psy.* 1993; 61(1): 16-27.
15. Christensen A, Eldridge K, Catta- Preta AB, Lim VR, Santagate R. Cross- cultural consistency of the demand- withdraw interaction pattern in couples. *J Marriage Fam.* 2006; 68: 1029-1044.
16. Papp LM, Kouros CD, Cummings EM. Demand- withdraw patterns in marital conflict in the home. *Pers Relationships.* 2009; 16: 285- 300.
17. McBride C, Bacchiochi JR, Bagby RM. Gender differences in the manifestation of sociotropy and autonomy personality traits. *Pers Indivi Diff.* 2005; 38(1): 129-136.
18. Roloff ME, Ifert DE. Conflict management through avoidance: Withholding complaints, suppressing arguments, and declaring topics taboo. In: Petronio S, editor. *Balancing the secret of private disclosures.* New York: psychology press; 2000. P. 151-155.
19. Smith L, Heaven PCL, Ciarrochi J. Trait emotional intelligence, conflict communication patterns and relationship satisfaction. *Pers Indivi Diff.* 2008; 44(6): 1314- 1325.
20. Heaven PCL, Smith L, Prabhakar SM, Abraham J, Mete ME. Personality and conflict communication patterns in cohabiting couples. *J Res Perso.* 2006; 40: 829-840.
21. Whitton SW, Rhoades GK, Stanley SM, Markman HJ. Effects of parental divorce on marital commitment and confidence. *J fam psy.* 2008; 22(5):789-793.
22. Davies PT, Harold GT, Goeke-Morey MC, Cummings EM, Shelton K, Rasi JA, Jenkins JM. Child emotional security and inter parental conflict. *Monog Society for Res in Child Devel,* 1-127.
23. Crowell JA, Treboux D, Gao Y, Fyffe C, Pan H, Waters E. Assessing secure base behavior in adulthood: Development of a measure, Links to adult attachment representations and relations to couples' communication and reports of relationships. *Devel psy.* 2002; 38(5): 679.
24. Harden KP, Turkheimer E, Emery RE, D'Onofrio BM, Slutske WS, Heath AC, Martin NG. Marital conflict and conduct problems in children of twins. *Child Devel.* 2007; 78(1): 1-18.
25. Saroukhani B, Sedaghatifard M. The generation gap in Iranian families: Perspectives and insights. *J Soci Sciences.* 2010; 3(4): 7-31. Persian.
26. Zietlow PH, Sillars AL. Life-stage differences in communication during marital conflicts. *J Soci Pers Relat.* 1988. 5(2): 223-245.
27. Lowe AG. Let's Give Them Something to Talk about: How Different Topics Affect Conflict Communication Behavior [dissertation]. [Maryland]: University of Maryland; 2011. 111p.
28. Lindahl KM, Clements M, Markman HJ. The development of marriage: A nine year perspective. In: Bradbury T, editor. *The developmental course of marital dysfunction.* Cambridge: Cambridge University Press; 1998. P. 205-236.
29. Huston TL, Caughlin JP, Houts RM, Smith SE, George LJ. The connubial crucible: newlywed years as predictors of marital delight, distress, and divorce. *J Pers Soci psy.* 2001; 80(2): 237.
30. Sillars AL, Weisberg J. Conflict as a social skill. *Interpersonal processes.* New Direc Commun Res. 1987;140-171.
31. Bookwala J, Sobin J, Zdaniuk B. Gender and aggression in marital relationships: A life-span perspective. *Sex Roles.* 2005; 52(11-12): 797-806.
32. Birditt KS, Fingerman KL, Almeida DM. Age differences in exposure and reactions to interpersonal tensions: a daily diary. *Stud Psy Aging.* 2005; 20(2): 330.
33. Afifi TD, Olson L. The chilling effect in families and the pressure to conceal secrets. *Commun Mono.* 2005. 72(2): 192-216.
34. Cauglin JP, Vangelist AL. An individual difference explanation of why married couples engage in the demand- withdraw patterns of conflict. *J Soci Pers Relat.* 2000; 17(4-5): 523-559.
35. Malek asgar S, Mootabi F, Mazaheri MA. Comparing Relationship Standards, Attributions and Marital Satisfaction across Three Recent Generations in Tehran. *J Fam Res.* 2014; 10(2): 137-157. [Persian]

Original Article

Reaction to Marital Conflict: An Intergenerational Study

Abstract

Objectives: This research was conducted to compare the reaction of married people to marital conflict among three generations of women and two generations of men. **Method:** The study was a qualitative research and the target population was all married people belonging to last three generations living in Tehran in 2014. Sampling was conducted in two stages using convenience and purposive methods. Data were collected through in-depth interview with a total of 45 people, with 9 people in each generation group (the first, second and third generation of women and the second and third generation of men). The interviews with women were conducted at their residences and with men were done over the telephone. The collected data were coded using content analysis method. **Results:** In this research, information was gathered through interviews with 9 daughters, 9 mothers and 9 grandmothers with an average (\pm SD) age of 27 ± 2.5 , 49 ± 4.7 and 71 ± 6.1 , respectively. Also, interviews were conducted with 9 sons and 9 fathers with an average (\pm SD) age of 28 ± 1.2 and 45 ± 6.3 , respectively. Data analysis showed that conflict avoidance in the second generation was more than the third generation. Compared with the women, men reported less conflict avoidance in bringing up the conflicting issues. **Conclusion:** It seems that some factors such as people's age differences, life cycle and differences in standards influence their behavior during marital conflict.

Key words: marital conflict; reaction to conflict; generation

[Received: 16 December 2014; Accepted: 25 May 2015]

Mina Pahlavan*, **Fereshteh Mootabi**^a,
Mohammadali Mazaheri^a

* Corresponding author: Family Research Center,
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, IR.

Fax: +9821-22431919

E-mail: minapahlavan1368@gmail.com

^aShahid Beheshti University, Tehran, Iran.

214
214